



تصویر شماره ۱: دیمن هرست (۱۹۶۵)

انسان در برابر مرگ

با رویکردی به آثار دیمن هرست

سارامعتمدنیا

کارشناس ارشد پژوهش هنر

دکتر علی پویان

استاد دانشکده هنر و معماری تهران مرکز

چکیده

مرگ اندیشی به عنوان حقیقتی انکارناپذیر، از اساسی‌ترین دغدغه‌های انسان در طول تاریخ است. مرگ به مانند تولد امری طبیعی است و اهمیت آن در جوامع گوناگون از فرهنگی به فرهنگ دیگر و حتی از فردی به فرد دیگر هم متفاوت است.

امروزه پیشرفت علم و تکنولوژی سایه‌ای بر واقعیت‌ها افکنده و به موجب آن، روشنگری از طریق علم در جوامع گسترش یافته و با تأثیر بر زندگی اقتصادی منجر به کمرنگ شدن بازنمود مرگ در جامعه مدرن شده است.

بر اساس این ویژگی‌ها و ساختارهای اجتماعی جوامع، آنچه به عنوان مؤثرترین ابزار شناخته شده در بازکردن گره‌های مفهومی برای مخاطب و تلاش به منظور پدید آوردن تصویری گویا از معنای مرگ داشته است، هنر و زیبایی‌شناسی می‌باشد.



دیمن هرست^[۱] از جمله هنرمندانی است که با به چالش کشیدن مضمون مرگ، به هدف رویارویی و یادآوری آن، آثاری را پدید آورده است که با دیدگاه و ارائه متفاوتش توجه جهانیان را به خود جلب کرد.

آثار او متعلق به دنیای پست مدرن با مفهوم پذیرش رانده شدن مرگ به حاشیه‌های زندگی عمومی جوامع معاصر و واکنشی به جهان سرمایه‌داری است.

روش رویکرد پژوهش^[۲] حاضر توصیفی، تحلیلی و شیوه ابزار آن اسنادی کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

دیمن هرست، معروف‌ترین عضو هنرمندان جوان بریتانیایی بود که در دهه نود با حمایت چارلز ساچی^[۳] از مطرح‌ترین گالری‌داران دنیا (در انگلستان توانست در مدت کوتاهی به شهرت جهانی دست پیدا کند و در سال ۲۰۰۳ رابطه آن‌ها پایان یافت (سامان‌پور، ۶۳-۵۲).

او به مانند یک هنرمند حرفه‌ای دوره‌های کاری بسیاری دارد که در هر کدام از آن‌ها، آثارش به گونه‌ای خاص و متفاوت، نشان از خلاقیت او دارد.

او تنها چند سال پس از فارغ‌التحصیلی از کالج گلد اسمیت^[۴]، رسواترین و جنجالی‌ترین هنرمند نسل خود در انگلستان لقب گرفت... روند کلی ساخت آثار او عبارتست از عینیت بخشیدن به استعاره‌های بصری و هرست از این طریق اندیشه‌های تکان‌دهنده و رقت‌انگیز، خود را به نحو ملموسی تجسم می‌بخشید (لوسی اسمیت: ۲۲۲-۲۲۳، ۱۳۹۰).

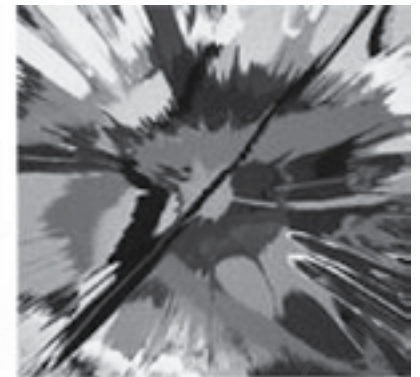
او با به‌کارگیری زبانی استعاری در موضوعات روان‌شناسانه، آثاری را خلق کرد که درگیری زیادی با معنای مرگ داشت. البته با مروری به نمونه‌های پیشین موجود در تاریخ هنر،

البته که از او به عنوان هنرمندی کارآفرین با استراتژی مبتکرانه یاد می‌شود که به دلیل توانایی‌هایش برای درک هنجارها و شکستن آن‌ها است که به دنبال آن شاهد رویکردی نوآورانه در فضای بازار شدیم. زیرا که او بدون واسطه و به تنهایی با خریداران و متقاضیان روبه‌رو می‌شد.

هرست که از ظرفشویی در یک رستوران در لیدز کارش را شروع کرد، در سال ۲۰۰۸ یعنی زمانی که نمایشگاهی در تیت لندن داشت می‌گوید: "خیلی از مردم رویاها و خواسته‌هایی دارند که به آن‌ها نمی‌رسند، من بعد از تمام شدن تحصیلات هنری‌ام توانستم نمایشگاهی در گالری ساچی داشته باشم و این جادویی بود و حالا نمایشگاهی در تیت دارم. آدم خیلی خوش‌شانسی هستم (کوروفی، ۱۳۹۱).

بررسی مرگ اندیشی در آثار دیمن هرست

عمده آثار او شامل مجسمه‌ها، نقاشی‌ها و چیدمان‌هایی از مخزن‌های شیشه‌ای می‌باشد.



تصویر شماره ۲: تصادم خارق‌العاده بیرونی (۱۹۹۵) سایت دیمن هرست، جهنم ۲۰۰۸ (سایت آرتانیا)، قفسه دارو (۲۰۰۸) سایت آرتانیا

بخشی از آثار هرست نقاشی‌های انتزاعی است که با پرتاب و شره‌های رنگ بر سطح بوم تصویری در حال چرخش را بازنمایی می‌کند (تصویر شماره ۲-راست) از دیگر آثارش چیدمان‌هایی از ته مانده‌های سیگار (تصویر شماره ۲-وسط) و قفسه‌های دارو (تصویر شماره ۲-چپ) است که می‌توان گفت بازتاب نگرانی هنرمند به روند زندگی بشر و کنایه‌ای از ابزارهای عادی جریان زندگی بشری است. پیله در آوردن پروانه‌ها در داخل گالری از دیگر آثار اوست که به دلیل زندگی یک روزه‌شان استعاره‌ای از شکنندگی زندگی هستند.

اما آنچه که در این مقاله به بررسی و نقد آن می‌پردازم مربوط به حیوانات قرار داده شده در محفظه‌های شیشه‌ای و جمجمه انسان پوشیده از الماس است.

یادآوری مرگ در آثار هنری امری تازه نیست اما آنچه آثار هرست را از دیگر نمونه‌های مربوطه متمایز می‌کند، دیدگاه و ارائه متفاوت او بود که توجه همگان را به خود جلب کرد.

تنوع و خلاقیت هرست به نوعی محدود به دوره‌های اولیه کاری اوست زیرا در پروژه‌های بعدی به تکرار کارهای قبلی خود می‌پردازد که به قول نیکولاس سروتا (از منتقدان و کوریتورهای^[۵] هنر تجسمی انگلستان) این کار نوعی شغل هنرمند بودن و هنر به عنوان نوعی تجارت و حرفه است. این به آن معناست که هنرمند وارد چرخه تجارت شده است و در نتیجه آن خلاقیت در آن کم‌رنگ‌تر و آثاری به عنوان کالا با ظاهری تقریباً مشابه و تکراری پر رنگ‌تر می‌شود. این جریان به مانند کارخانه‌ای می‌ماند که اندی وارمول از آن آگاه بود و به همین دلیل نام استودیوی خود را کارخانه گذاشته بود. (سامان‌پور، ۱۳۹۲)

1-Damien Hirst(1965)

۲-این مقاله بخشی از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی باشد.

۳-چارلز ساچی از مطرح‌ترین گالری‌داران دنیا است که مالک گالری‌ای به همین نام در لندن است که تنها با هنرمندان سابقینتی کاری می‌کند.

4- Goldsmiths university of London

۵-نمایشگاه گردان یا هنرگردان



تصویر شماره ۳: یک هزار سال ۱۹۹۰ (مجله تندیس، شماره ۲۵۲)

شدن اثر توسط مخاطب، امکان نقد و بررسی فراهم می‌شود.

می‌توان گفت اثر هرست کاملاً ایدئولوژیک است زیرا که واقعیت را آنگونه که هست نشان نمی‌دهد یعنی علیه وضع موجود نیست، بلکه گونه‌ای از جهان را که امروز در رسانه‌ها باز تولید می‌شود ارائه می‌کند: جهانی با منابع و فرصت‌های محدود که باید بر سر این منابع جنگید. اما باید گفت که منابع جهان به هیچ عنوان محدود نیست، در حال حاضر آنقدر منابع مادی و انرژی وجود دارد که بشر بتواند صدها سال از آن مصرف کند. اما اگر همین منابع تنها به دست عده‌ای محدود باشد، هر چه قدر هم که فن‌آوری پیشرفت کند باز هم منابع محدود خواهد ماند. به واقع این ثروت و منابع نیست که محدود است، بلکه عقلانیت توزیع و استفاده از آن محدود است... زیرا استوار بر افزایش سود و افزایش سرمایه است نه حل کردن مشکلات و نیازهای حیاتی انسان‌ها (سامان پور، ۱۳۹۲:۵). اثر هرست کاملاً فاشیستی و غیرانسانی است و همانطور که می‌دانیم فاشیسم، زاینده بحران عمومی سرمایه‌داری می‌باشد. با توجه به مطالب به دنیای پست مدرن نزدیک می‌شویم که با نظام جهانی به شکل امروزی آن و ارزش آفریده آن به ستیز برمی‌خیزد و ضد انسان‌گرایی است (جنسن، ۱۳۹۰).

هنر پسامدرنیستی^[۶] با حمله به مرزهای مدرنیسم هنر آغاز می‌شود؛ یعنی نفی و طرد توجه به خصلت صرفاً صوری هنر به مثابه چیزی متمایز از زندگی، و بنابراین تمایل به مال خود کردن اشیای معمولی زندگی روزمره و قرار دادن آن‌ها تحت نام هنر... می‌توان نشان داد که مرزهای تحمیل شده بر هنر از جانب مدرنیسم رو به نابودی اند و دامنه و پیچیدگی فعالیت‌های هنری را بیش از حد ساده جلوه می‌دهند (گات و لوپس، ۱۳۹۱:۱۲۳).

با توجه به نظریه علی^[۷] به لحاظ مرجع این اثر در تنازع با جامعه است و این معضل در طول تاریخ بسیار تکرار شده است اما هرست با تولید فضای تازه اثر را وارد دنیای پست مدرن کرده و جایگاه فرهنگی در آن مشترک است و مخاطبان از سراسر دنیا را هنگام رویارویی با اثر برمی‌انگیزاند. با توجه به تناقضات اجتماعی مرتبط به اثر، زمان در آن عنصری سازنده می‌باشد.

شهرت هرست عمدتاً در ارتباط با چیدمان‌هایی بود که او با استفاده از حیوانات مرده (کوسه، گاو، گوسفند) در محفظه‌های شیشه‌ای حاوی فرمالدئید^[۸] که ماده‌ای پایدار و شفاف است، می‌باشد.

یکی از منتقدان هنری روزنامه گاردین در مورد این محفظه‌های شیشه‌ای نوشته است: تو

۶- هنر پسانواگرا به مجموعه پیچیده‌ای از واکنش‌هایی مربوط می‌شود که در قبال فلسفه مدرن و پیش فرض‌های آن صورت گرفته‌اند، بدون آن که در اصول عقاید اساسی کمترین توافقی بین آن‌ها وجود داشته باشد. به‌طور کلی، جنبش‌هایی همچون چیدمان، هنر مفهومی و چندرسانه‌ای به ویژه مربوط به ویدئو به عنوان پست مدرن توضیح داده شده‌اند.

۷- بیان علت و معلول در آثار هنری

۸- Formaldehyde فرمالدئید یک ماده شیمیایی است که در تولید بسیاری از محصولات صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرمالدئید اغلب به عنوان ماده نگهدارنده در آزمایشگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این ماده شیمیایی، بی‌رنگ و دارای بوی تند و خفه‌کننده است.

- اثر یک هزار سال محصول سال ۱۹۹۰، یک محفظه شیشه‌ای شامل ۲ قسمت که توسط یک منفذ کوچک بین دو قسمت بهم مرتبط شده‌اند. در یک سمت سر گاو ذبح شده که خون مانده در سر آن به مرور خارج می‌شود و یک دستگاه حشره‌کش بالای سر گاو نصب شده است که جمعیت مگس‌های تولید شده در سمت دیگر را کنترل می‌کند. به طوری که کرم‌ها تبدیل به مگس و مگس‌ها از سر گاو فاسد شده تغذیه می‌کند، که در نهایت اگر توسط دستگاه کنترل نشوند بیشتر و بیشتر می‌شوند. در اصل آنچه می‌توان دریافت مفهوم پرورش و تکرار چرخه حیات است که دستگاه به مانند حیوان دیگر عمل می‌کند و این چرخه هر روزه تکرار و تکرار می‌شود و به‌طور کلی هدف از گردآوری این اثر انتقال حس تعفن زندگی به مخاطب است

(تصویر شماره ۳)

هرست در این اثر به ما می‌گوید هزاران سال است که روند کشته شدن ضعیف در طبیعت وجود دارد. اثر، گویای این مسأله است که کشتن بخشی از حیات است و برای بقا باید کشت... معنای ضمنی کار هرست این است که با کشته شدن عده‌ای، دیگران می‌توانند به حیات ادامه دهند زیرا که منابع (سر گاو) محدود است و برای همه کافی نیست و طبیعی است که عده‌ای باید در این میان قربانی حیات دیگری شوند (سامان پور، ۱۳۹۲:۵).

این اثر به نوعی دارای دگر بودگی آزردهنده است زیرا برخلاف ذهنیات ما با ورود به گالری و مواجهه شدن با اثر در گام اول برای ما آزردهنده می‌باشد. اثر کمترین بهره را از زیبایی‌شناسی برده است و میزان بیگانگی اش با مفهوم متعارف بسیار زیاد است. پس از شوک لحظه‌ای و پذیرفته





تصویر شماره ۴: غیرممکن بودن فیزیکی مرگ در ذهن فردی زنده ۱۹۹۱ (سایت دیمین هرست)

کوسه هرست نهاد بریتانیا شد.

هرست اهمیت مفهوم هنری اش را بالاتر از همه چیز می‌پندارد و از طریق آثار تکان‌دهنده و منجرکننده به نوعی مردم را مجذوب می‌کند به طوری که خلاقیت او باعث می‌شود مخاطب در انتظار آثار بعدی او بماند. او به عنوان یک هنرمند قدرتمند، رویکردهای اجتماعی را در آثارش به طور نهفته، آشکار می‌سازد.

در این اثر استفاده از محلول برای جلوگیری از پوسیدگی کوسه به مانند نگه داشتن مرگ و حفظ مصنوعی حیات در جامعه امروزی است که به نوعی مرگ و زندگی به حالت تعلیق در آمده است.

این می‌تواند اشاره‌ای به حفظ مصنوعی کارکردهای نباتی ارگانیسم که منجر به طولانی‌کردن حیات و نهایتاً به طولانی کردن مرگ در جوامع بشری باشد، که به موجب آن زندگان را از حضور و مشارکت در امری که به طور برگشت‌ناپذیر رخ می‌دهد، حذف می‌کند. و این همان محدودیت‌های حاکم بر تسلط مدرن بر طبیعت به دست آمده از طریق علم و تکنولوژی می‌باشد (صنعتی و دیگران، ۱۳۹۲).

بنابراین پست مدرنیسم، واکنشی به تعالیم بنیادی تفکر روشنگری جامعه مدرن است و هرست با مفهوم مرگ و فساد فیزیکی این روند را به چالش کشیده است. کوسه تجسمی از مرگ، زل زده و با دهان باز آماده حمله به ما با فاصله‌ای اندک، باز نمودی از مرگ می‌کند و ما نمی‌دانیم این سکوت و خلاء به معنای آرام بودن اوضاع می‌باشد یا طوفانی در راه است.

هنرمند نظام‌های باورپذیر معاصر را به چالش می‌کشد و تولید مفهومی می‌کند که با شناخت از

می‌توانی هر چیزی را در درون این ویترین‌ها و کابین‌های کنجکاوای جا دهی: ابزار تئاترهای شنیع، ردیف ردیف الماس دست‌ساز انسان، گوسفند، گاو، سیگارهای هاوانا و حالا چرا جسد انسان نه؟ این کار را هم انجام بده، خودت هم می‌دانی که چنین چیزی را می‌خواهی (سامان پور، ۱۳۹۲:۴)

تصویر شماره ۴ یکی از معروف‌ترین آثار دیمین هرست می‌باشد، به طوری که هرگاه از کوسه به طرف مقابلمان بگوییم می‌داند که در مورد این اثر صحبت می‌کنیم.

این چیدمان دارای عنوان بسیار مهمی می‌باشد که به مانند تمام آثار هنر مفهومی، متن (عنوان) حاوی معنی‌ای در تقابل با تصویر (خود اثر) است. مری اکتون^{۱۹} در کتاب چگونه به هنر مدرن نگاه کنیم این اثر را سمبلی از مرگ می‌داند به طوری که اگر به آن از نیم‌رخ نگاه کنید، با دهان نیمه باز شبیه حیوانات تاکسی درمی شده در موزه حیات وحش به نظر می‌رسد. اما خصوصیتی که اثر را متمایز می‌کند از این قرارند: اول اینکه این کوسه مثل یک نمونه آزمایشگاهی در فرمالدئید نگهداری می‌شود اما نه به صورت متداول؛ کوسه در این محلول غوطه‌ور است، درست مثل اینکه در دریا غوطه‌ور باشد. دوم اینکه، کوسه درون آکواریوم کمی زاویه دار قرار داده شده است به طوری که وقتی شما دور آن راه می‌روید (مثل راه رفتن به دور یک مجسمه) انعکاس مایع، آکواریوم و کوسه طوری عمل می‌کنند که گویی حیوان در حال شنا کردن و نزدیک شدن به شماست. اگر چنین چیزی واقعا اتفاق می‌افتاد، شما می‌مردید. پس در نتیجه عنوان اثر در ذهن شما به صورت یک احتمال مطرح می‌شود و باعث می‌شود که شما در مورد احتمال (احتمال که چه عرض کنم، قطعیت) مرگ خودتان ببینید (رز، ۲۰۱۲).

چارلز هال^{۱۰} منتقد معاصر در نقد اثر نوشت: "...کوسه ماهی شناوری که به ظاهر در تعادل و آرامش در مخزنی که برایش ساخته شده گرفتار آمده است. این تجسم بصری، تمثیلی است از خدشه‌دار بودن هرگونه امید و اعتقاد به نظامی که مبنای آن تنازع بقا و جنگ و تکاپویی ناعادلانه برای زنده ماندن است. دیمین هرست ناامید از استقرار نظم در حیات زندگان، به سوی جاودانگی مرگ معطوف می‌شود: همیشگی‌ترین واقعیت، قطعی بودن مرگ است" (لوسی اسمیت، ۲۰۲۰:۲۲۲).

این اثر به مبلغ ۱۲ میلیون دلار توسط شخصی خریداری شد که حتی نمی‌دانست با آن چکار کند. برندسازی در جهان هنر معاصر، جایگزین قضاوت انتقادی و ارزش‌گذاری واقعی یک اثر می‌شود که این چنین اثری با حمایت برندها و مجموعه‌داران معروف، با عمری کمتر از بیست سال قیمتی نجومی پیدا می‌کند. حال متوجه می‌شویم ربط دادن تفسیر و تحلیل اثر و نبوغ هنرمند به میزان قیمت آن امری بی‌بهره است زیرا قیمت آثار یک هنرمند جدید در بازار نه بر مبنای کیفیت، که بر مبنای اندازه آثار و شهرت گالری آن تعیین می‌شود. در نتیجه به نوعی تبلیغات و تمایز فرهنگی می‌رسیم اما هنر چیز خوبی برای سرمایه‌گذاری نیست (سامان پور، ۱۳۹۱).

9-Mary ecton

۱۰- Hall Charles هال منتقد معاصر

زمان حال، بر ضد اجتماع تناقض ایجاد می‌کند و زمان را به عنصری سازنده تبدیل می‌کند.

با توجه به نظریه علی، فضایی تازه از مرگ رادر جوامع نشان می‌دهد.

برای عشق به خداوند عنوان یکی دیگر از آثار هرست می‌باشد که مجموعه انسان قالب‌گیری شده با پلاتینیوم که با ۸۶۰۱ الماس به ارزش ۱۳ میلیون دلار پوشانده شده است. در سال ۲۰۰۷ به عنوان گران‌قیمت‌ترین اثر متعلق به یک هنرمند زنده شناخته شده است (تصویر شماره ۵).

به خاطر بهشت عنوان ادامه اثر عشق به خداوند و مشابه آن پوشیده از الماس می‌باشد. اما با این تفاوت که او از مجموعه نوزادی کمتر از دو هفته قالب‌گیری کرده است که بعد از ارائه آن خشم گروه‌های والدین را برانگیخته. آن‌ها مدعی‌اند این اثر بی‌احترامی تحت تأثیر استفاده از مجموعه به آن‌هایی است که از فقدان فرزندشان داغ دیده‌اند. هرست که خانه‌ای در مکزیک دارد، می‌گوید "در هنر آرتک باستان بوده است". (دانایی

و عمادی ۱۳۸۹)

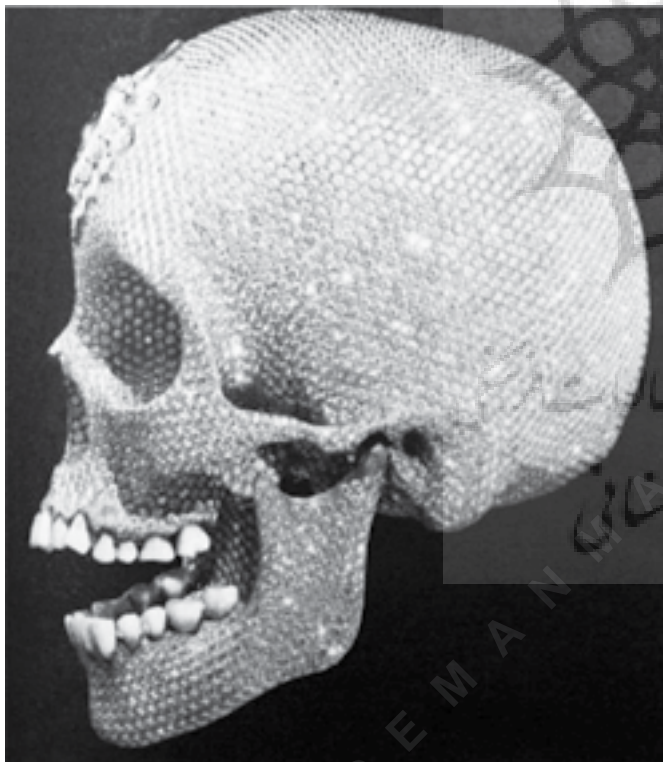
است البته تاریکی هم در الماس نهفته است (کورونی، ۱۳۹۱).

لوک وایت^[۱] (مدرس دانشگاه) مدعی است که این اثر کاملاً یک هنر سرمایه‌دارانه است که با نیازها و علایق سرمایه‌دارانه منطبق است و نسخه‌ای کاملاً ایدئولوژیک از جهان را ارائه می‌دهد. این اثر بیش از هر چیز، نمایش رسانه‌ای است که سرمایه‌امروزی به آن استوار است و خود را در واکنش به جهان مصرف‌گرایی توده‌ای فرهنگی شکل می‌دهد، جهانی که هنر هر روز بیشتر بخشی از آن می‌شود (سامان‌پور، ۱۳۹۲: ۴).

او می‌افزاید: مجموعه نشان‌دهنده ارزشی است که می‌توان آن را به عنوان یک اثر هنری دانست. با توجه به گفته گای دبورد^[۱۱]: "سرمایه به چنین درجه‌ای رسیده است که می‌توان آن را به تصویر تبدیل کرد". با این حال توضیح مناسب از اثر هرست، تمرکز سرمایه‌خالص به چیزی است که هنوز هم بین تصویر شدن و شیء هنری بودن ارتعاش دارد. استدلال مارکس از دنیای مدرن که باعث شده است ما پیرو محسوسات و لذات نفسانی باشیم و دیدمان به خصوصیات خاص جهان کور شده است. پس همین است ارزش تجاری اثر و برداشت انتزاعی از پول (وایت، ۲۰۰۹).

وایت معتقد است این اثر از نزدیک کاملاً تجربه‌ای متفاوت با دیدن عکس آن است. زیرا اثر در یک اتاق تاریک با نوری متمرکز بر آن که برق و درخشندگی اش انسان را مغلوب می‌کند، قرار دارد. اثر تجسم عینی سرمایه است و یادآوری از مرگ که امروزه، سرمایه همه چیز از جمله نماد مرگ را هم پوشانده است و هم چون غباری زیبا و فریبنده، روی هر چیز زشت و زنده‌ای را می‌گیرد و موجب برق افتادن آن می‌شود. اثر به دنبال خلق ارزش مادی و فرم بخشیدن به سرمایه است، نه طرفداری یا تأیید آن و نه همچنان نقدی بر آن (سامان‌پور، ۱۳۹۲).

بعد از مرگ، مجموعه مقاوم‌ترین قسمت بدن انسان که به نوعی تمثالی از موجود زنده است و



تصویر شماره ۵: برای عشق به خداوند ۲۰۰۷، مجله تندیس، شماره ۲۵۲

تصویری غم‌انگیز و نمادین از گذشت زمان که همچنان روحی هم در آن ساکن باشد. مجموعه به نوعی اعلام پیروزی بر پوسیدگی است که با پوشاندن الماس بر آن به شیء ابدی از مرگ تبدیل می‌شود، پس پوسیدگی و فروپاشی مربوط به زندگی و بعد از آن، مرگ ابدی است و این

هرست می‌افزاید: نهایت کار من به عنوان هنرمندی مشهور در برابر مرگ چیست؟ وقتی به مجموعه نگاه می‌کنید پایان را می‌بینید، اما وقتی آن را به این زیبایی می‌بینید در آن امید می‌یابید. الماس نماد کمال، شفافیت، ثروت، مرگ و نامیرایی است، نماد هر چیزی که ابدی

[۱] White Luke)) لوک وایت مدرس دانشگاه میدلسکس انگلستان در رشته فرهنگ بصری و تاریخ هنر و طراحی است. او بر روی موضوع امر والابسیار کار کرده است و مقاله‌ای تقریباً بلندی دارد که در آن به رابطه دیمین هرست و امر والابراخته است. 12- Guy Debord (1967)



- 15- <http://sites.psu.edu/resurrectingrembrandt/>
 16- <http://artanian.com/article.aspx?idr=80>
 17- <https://eprints.mdx.ac.uk/3864/1/DamienHirstsDiamondSkull.pdf>
 18- THE SHARK IS DEAD:HOW TO BUILD YOURSELF A NEW MARKET Jörg Reckhenrich, Jamie Anderson and Martin Kupp
 19- <http://www.damienhirst.com/>
 20- <http://artanian.com/article.aspx?idr=80>

اثر برای عشق به خداوند است نه ترس از آن (وایت، ۲۰۰۹).

در نتیجه آنچه به عنوان مهم‌ترین اصل در آثار هرست تکرار می‌شود، درگیری با با گره‌های ناخودآگاه مخاطب است.

او به مانند هنرمندان پیشین از مجموعه انسان که نشان از پوچی زندگی انسان و مرگ می‌باشد استفاده کرده است اما باز هم خلق مفهومی تازه که به دنیای پست‌مدرن و نظریه علی تعلق دارد. پس در جهان حاصل از روشننگری سخن از سرکوب مرگ بیراه نبوده است و هرست توانسته است به درستی پیام خود را به مخاطبین برساند زیرا اثر دارای زبانی مشترک است و با وجود نقاب سرمایه‌داری، آنچه اصل است را درک کرده است.

هیچ کس ارتباط متقابل هنرمند و جامعه را منکر نیست. هنرمند بر جامعه متکی است و لحن، آهنگ و قوت احساسش را از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، می‌گیرد (رید، ۱۳۹۰: ۲۲۳).

نتیجه‌گیری

هنر دیمین هرست با رویکردی به مرگ، بیماری و فساد فیزیکی، مفهوم عشق و ترس را در انسان برمی‌انگیزاند. او یک سوررئالیست نیست بلکه هدف او نشان دادن نزدیکی اجتناب‌ناپذیر مرگ است که واقعی‌ترین امر در زندگی انسان می‌باشد. او ترس از مرگ را یک احساسی قوی‌تر از عشق و شهوت می‌پندارد.

در مجموع آثار او به هدف رویارویی مخاطب با مرگ که در هر اثر به شیوه خود این پیام را به ما منتقل می‌کند که ترس از مرگ است که ما را زنده نگه می‌دارد. مجموعه در طول تاریخ به عنوان نمادی از مرگ همواره تکرار شده است اما هرست به فراتر از مرگ رفته است از طریق زیبایی.

کوسه در ذهن انسان یادآور ترس و فرار از مردن است، اما هنگام رویارویی با اثر تنها یک لحظه خود را در دریایی شناور در مقابل آن تجسم کنید و به دنبال آن قطعیت مرگ را در ذهن بیروانید.

نه تنها یک هزار سال بلکه صدها هزار سال دیگر هم که بگذرد، چرخه حیات، روند کشته شدن ضعفا و محکوم به نابودی بودن آن‌ها برای ادامه بقای موجودات را شاهد هستیم.

هنر هرست شاید به کالا تبدیل شده باشد و به دنیای برندها و سرمایه‌داری وارد شده باشد، اما خود او هم چنان آثاری پدید می‌آورد که این دنیا را به چالش بکشد زیرا همه شئون زندگی - عشق، مرگ، زیبایی-رنگ و بوی سیاسی گرفته است. ■

منابع

- ۱- جنسن، هورست و ولدر و انتونی ف (۱۳۹۰)، تاریخ هنر جهان، محمدتقی فرامرزی، انتشارات مازیار.
 ۲- رید، هربرت، (۱۳۹۰)، معنی هنر، نجف دریا بندری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۳- لوسی اسمیت، ادوارد، (۱۳۹۰)، مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم، علیرضا سمیع‌آذر، نشر نظر.
 ۴- دانایی، مهران، عمادی، سجاده، (۱۳۸۹)، دنیاگردی، دوهفته‌نامه هنرهای تجسمی تندیس، شماره ۱۹۲، بهمن، ص ۲۸.
 ۵- سامان پور، میثم، (۱۳۹۱)، نقد بازار هنر، دوهفته‌نامه هنرهای تجسمی تندیس، شماره ۲۴۱، دی، ص ۱۰ و ۱۱.
 ۶- سامان پور، میثم، (۱۳۹۱)، هنر و سیاست، دوهفته‌نامه هنرهای تجسمی تندیس، شماره ۲۵۲، تیر، ص ۵ و ۶.
 ۷- صنعتی، محمد و دیگران، (۱۳۹۲)، مرگ، مجموعه مقالات (، ارغنون، شماره ۲۶ و ۲۷، سازمان چاپ و انتشارات، سازمان اوقاف و امور خیریه.
 ۸- گات، بریس، لوپس، دومینیک مک‌آیور، (۱۳۹۱)، دانشنامه زیبایی‌شناسی، بابک محقق و دیگران، نشر شاد رنگ سایت ومقالات الکترونیکی.
 ۹- سامان پور، میثم، (۱۳۹۲)، هنر و سیاست، دوهفته‌نامه هنرهای تجسمی تندیس، شماره ۲۵۲، تیر، ص ۵ و ۶.
 10- www.damienhirst.com
 11- <http://tarahiyefaza.blogspot.com/2012/03/blog-post.html>
 12- http://blog.lib.umn.edu/peza0001/arts1001wednesdays/2008/11/damien_hirst_report_by_amanda.html
 13- <https://confluence.cornell.edu/display/tam2011/Warhol,+Hirst+and+Branding>
 14- <http://innovation.london.edu/resource/47/index.html>

پوزش و اصلاح:

- ۱- در مقاله «تیمین ریشه‌های جریان نقاشی نوگرایی ایران (۱۳۲۵-۱۳۲۰ هـ ش)» نوشته دکتر آناهیتا مقبلی و شیما گلچین چاپ شده در فصلنامه شماره ششم تابستان ۹۳ از سه مقاله آقای رسول معرک نژاد به نامهای: آغاز گرایش نقاشی و نقاشان ایران به نقاشی اروپا، مقاله جنبش نوگرایی در نقاشی معاصر ایران (پیشگامان نقاشی نوگرا) و مقاله نگاه اجمالی به پیدایی مکتب سقاخانه و جنبش نقاشی خط که درج شده در سایت www.moareknejad.com استفاده شده اما به منابع ارجاع دهی نشده است که بدینوسیله تصحیح و اعلام می‌گردد.
 ۲- در شماره هفتم فصلنامه عکاس تصویر پشت جلد جناب آقای محسن خیرخواه می‌باشند که نام ایشان ذکر نگردیده است و بدینوسیله پوزش می‌طلبیم.



Clemens von Wedemeyer

Born Göttingen, Germany, 1974

He lives and works in Berlin. Between 1996 and 1998 he studies photography and media at the Fachhochschule Bielefeld. In 1998 he transfers to the HGB Academy of Visual Arts Leipzig and graduates from Astrid Kleins' class in 2002, followed by a master in 2005. In the same year he receives the Kunstpreis der Böttcherstrasse in Bremen. In 2006 he wins the German competition at Internationale Kurzfilmtage Oberhausen as well as the Karl-Schmidt-Rottluff-Stipendium.

ترجمه: محمدنصیرتیغ ساززاده

کلمنت ون ودیمیر

متولد آلمان، ۱۹۷۴

او یک ویدیو آرتیست آلمانی است و در برلین زندگی می‌کند او به همراه "استرید کلین" در "دانشکده هنرهای تجسمی لپزیگ" تحصیل کرده است. بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ به عکاسی و رسانه در دانشگاه "بیلفلد" پرداخت. در سال ۱۹۹۸ به دانشکده هنرهای تجسمی HGB لپزیگ آلمان رفت و در سال ۲۰۰۵ فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۲۰۰۶ در مسابقات بین‌المللی "کوزفیلیم تیچ" برنده شد.

